

## «مافه‌گه»؛ یادمان بزرگان ایل بختیاری

عباس قنبری عدیوی - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی  
مدرس دانشگاه و رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان چهارمحال و بختیاری

### مقدمه

آئین سوگواری در مرگ عزیزان در ایلات و عشایر ایران برای مردم‌شناسی جایگاه پژوهشی مناسبی است. در بختیاری اشعار و سوگ سروده‌ها به همراه نمایش‌گونه‌ای از مراسم کُتل و برپاکردن مافه‌گه<sup>۱</sup> علاوه بر تأثیر حزن‌انگیزی که دارد و با موسیقی عزا آمیخته می‌شود بخشی از فرهنگ این قوم بزرگ را رقم می‌زند.<sup>۲</sup>

در این مقاله، برآنیم که بخشی از مراسم سوگواری در بختیاری را با بیان دقیق‌تر مسائل مربوط به برپا کردن و ساخت مافه‌گه ارائه کنیم. مافه‌گه یادمان خاصی است که در زادگاه یا محل سکونت فرد ساخته می‌شود تا یاد و خاطره بزرگان و چهره‌های سرشناس ایل را در اذهان زنده نگه دارد. امید است مورد توجه و استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد. باشد که بیان چنین مسائلی بعضی از حرف‌های ناگفته یا کم‌گفته را در اصالت اقوام و معرفی فرهنگ‌های ایرانی مطرح کند.

زمستونِ اوی رسی کُنه گره برف  
و امونه سنگینه غم کس نیزنه حرف  
ببل باغ بهشت اول مو بیدم  
ناشُرگِ خدا بیدم، زیدس به تیگم ...

آسمون داغی نه‌اور سر داغُم      نه دستم بس ارسه نه چو کَلاکُم<sup>۳</sup>  
مرگ<sup>۴</sup> پدیده‌ای ضد هستی و حیات- که برای انسان‌ها بسیار دوست‌داشتنی است- تلخ و ناگوار است آنجا که مرگ حمله‌ور و انسان خاکی به دل خاک سپرده می‌شود احساسات، عواطف و خیال سرشار از زیبایی انسان می‌شکند و صحنه‌ها و تصاویر شگرف و کم‌نظیری را خلق می‌کند. ایل بختیاری- که بزرگ‌ترین ایل کوچ‌رو کشور است- در مناطق وسیعی از استان‌های اصفهان، لرستان، خوزستان و چهارمحال و بختیاری در کوچ بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرمسیر) زندگی می‌گذرانند، یا به جبر زندگی و تحمیل سختی‌ها یکجانشین شده‌اند.

کوچ نمونه‌ای از زندگی تلخ و شیرینی است که ایلات و عشایر با آنها زاده شده‌اند. کوه‌های سخت‌گذر، رودهای خروشان، جنگل‌ها و بیشه‌زارهای انبوه یا دشت‌ها و صحراها در فرهنگ و ناموس این مردم واژه‌هایی ماندگار آفریده است. جالب اینکه احساسات و واژگان به‌کار رفته در سوگ و عزا در میان مردم ایل، چنان زیبا و عاطفی است که تابلویی از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی این قوم است.<sup>۵</sup>

در سوگواری بختیاری آئین و رسم کهن با اوضاع امروز (پس از انقلاب اسلامی) قدری متفاوت است عزاداری طولانی، سیاه‌پوش شدن مردان و زنان، نواختن موسیقی سوگینه (ساز چپ)، نوحه‌سرایی زنان (گاگریو یا دُم‌دال)<sup>۶</sup>، روح تعاون و مساعدت در هزینه‌های عزاداری (سرباره) از ویژگی‌های بارز در عزاداری بختیاری‌ها است.

برگزاری مراسم عزاداری خود پژوهشی جداگانه می‌طلبد، آنچه در این مختصر بیشتر مطمح نظر است ساخت و مراسم مافه‌گه است که در نوع خود قابل توجه است.

در بین مردم بختیاری و طوایف مختلف مرگ عزیزان، جوانان غیور و دل‌اور، کلاترها<sup>۷</sup> و بزرگان چنان دردآور است که انجام برخی کارها یا بیان اشعار التیام‌بخش این درد است. وجود شیر<sup>۸</sup> سنگی در قبرستان‌های عشایر و روستاییان بختیاری از شکوه و عظمت بزرگمردان ایل سخن می‌گوید. شیرهای سنگی را با اندازه و شکل‌های مختلف و با نقوش تفنگ، اسب و ... بر آرامگاه (مزار) نوجوانان نام‌آور، جوانان دلیر و پیران صاحب‌نام می‌گذارند.<sup>۹</sup>

شیرهای سنگی نماد رشادت، سرافرازی و شکوه مردمان ایل است و از تاریخ پرفراز و نشیب این خطه سخن می‌گویند، هیبت و شکوه شیر در قبرستان‌ها نشان هیبت و عظمت مردانی است که تاریخ را به نام خود آراسته‌اند و اکنون در دل خاک سرد خفته‌اند. شیرهای سنگی را پس از انقلاب بر مزار شهیدان دفاع مقدس نیز دیده‌ایم.

### معرفی مافه‌گه

از نظر واژگانی مافه‌گه واژه‌ای دوجزئی است از مافه + گه؛ مافه باید کلمه‌ای فارسی باشد یا شاید صورت تغییریافته مدفن عربی است. گه مخفف گاه پسوند مکان است؛ یعنی مدفن گاه آنچه جای تردید دارد این است که هیچ پیکری در «مافه‌گه» به خاک سپرده نمی‌شود. اگر واژه ترکیبی از دفن عربی و گاه فارسی باشد در عمر این مراسم یا مکان آن نیز باید بیشتر تأمل کرد.

مافه‌گه نیز چون شیر سنگی نمادی دیگر از شکوه، هیبت و عظمت مردم ایل است. هرگاه جوانی یا کلانتر و بزرگ خاندانی فوت کند برای یادمان او در زادگاه یا محل سکونتش مافه‌گه می‌سازند. مافه‌گه دیواره‌ای مکعبی توپر است که به اندازه قبر اهمیت دارد یا حتی بیشتر. کیانی درباره مافه‌گه می‌گوید: «مافه‌گه» سکویی بوده است که به صورت مکعب یا مدور از سطح زمین برجسته ساخته می‌شده است.<sup>۱</sup> در اصل مافه‌گه در یک مکانی که قبر فرد نیست، به عنوان یادمان ساخته می‌شود به این معنا که اگر قبر شخص در قشلاق باشد در بیلاق این یادمان بنا می‌شود.

### الف) مکان، شکل و مصالح

همان‌گونه که گفته شد مکان اصلی مافه‌گه در بیلاق یا قشلاق متوفی است. مکان مافه‌گه در زمین متعلق به خانواده فرد در گذشته انتخاب می‌شود و بنای آغازین آن در هفته اول درگذشت شخص گذاشته می‌شود. شکل اصلی و مرسوم مافه‌گه مکعب مستطیل یا مربع است که عموماً ارتفاع و طول آن ۱/۵ تا ۲ متر از سطح زمین بلندتر بنا می‌شود. عرض آن یک تا ۱/۵ متر است.

مصالح به کار رفته در این بنا عبارت‌اند از سنگ، سیمان یا گچ، خاک (گل) در بناهای قدیمی مافه‌گه از سنگ‌نوشته مشخصات متوفی استفاده نمی‌شد ولی در حال حاضر، از این سنگ‌نوشته‌ها

استفاده می‌شود. در ساخت و بنای این یادبود روح همیاری و تعاون ایلی را می‌توان به‌خوبی دید. اگرچه در مراسم سوگواری نیز اطرافیان و آشنایان در عملی متقابل برای کاهش هزینه‌های صاحب‌عزا پول، گوسفند و ... کمک می‌کنند که به آن سرباره (sarbare) می‌گویند.<sup>۱۱</sup>

اخیراً در مناطق عشایری یا روستایی مافه‌گه‌هایی برای جوانان رشید کشور، که در دوران دفاع مقدس جان خود را برای عزت و سربلندی میهن اسلامی فدا کرده‌اند، بنا شده است که روحیهٔ ایثار و شهادت را با فرهنگ بسیج و سلحشوری به نسل‌های انقلاب انتقال داده‌اند. بنای مافه‌گه (مافگه) در اصل پس از مراسم هفتم یا چهلم تکمیل می‌شود چون در ابتدا فقط محل آن مشخص می‌شود و حدود یک متری از آن را آماده می‌کنند و روی آن را با پارچهٔ سیاه می‌پوشانند و وسایل مهم فرد را روی آن می‌چینند و مراسم کتل را انجام می‌دهند.

#### ب) کتل (اسب کتل شده)

کتل (Kotal) در حقیقت مادیان یا اسبی است که زین بر آن می‌گذارند، پارچه یا چادری مشکی به نشانهٔ عزا روی آن پهن می‌کنند که نماد مرکبی است که سوار خود را از دست داده است، تفنگ (شمشیر)، دوربین، حمایل و کیسهٔ کمر (قطار فشنگ) شخص را بر روی اسب قرار می‌دهند و آن را به‌دست یکی از جوانان یا افراد میانسال نزدیک به متوفی می‌سپارند تا دور مافه‌گه از سمت چپ بچرخد. بر پیشانی اسب یا مادیان یک پارچه یا دستمال سیاه و بر گردن آن چهار یا پنج تکه پارچهٔ رنگی آویزان می‌کنند که بر احساسات و عواطف مردم اثرگذارتر باشد.

اگر اسب یا مادیان از آن خود شخص باشد این حزن و اندوه بیشتر است چون با نوای موسیقی آرام و سوگ سرود و گریهٔ زنان (گاگریو یا سرو) و مردان (بنگ بوو) همراه می‌شود و آنقدر سوزناک است که، گاهی بنا به روایت افراد، حتی اسب یا مادیان هم به گریه می‌افتد.<sup>۱۲</sup> این اسب را اسب کتل‌شده یا به اختصار «کتل» می‌گویند. گاهی نیز آینه‌ای را به پیشانی اسب می‌بندند.<sup>۱۳</sup>



### پ) نماد پیکر متوفی

یکی دیگر از مسائلی که در مراسم کتل و مافه‌گه از اجزا و عناصر اصلی آن است ساخت مجسمه یا ماکت فرد یا نماد پیکر بی‌جان شخص متوفی است که از دو یا چند قطعه چوب که تنه اصلی تندیس است ساخته می‌شود. برای شبیه‌سازی این پیکر با قامت معمولی افراد لباس‌های شخصی فرد درگذشته را به دور این چوب‌ها قرار می‌دهند و با پشم یا پارچه لباس‌ها را پر می‌کنند، کلاه، شلوار دبیت، چوقا، شال، کیسه کمر، تفنگ، دوربین و سایر وسایل شخصی مرحوم را به این مجسمه می‌افزایند تا کاملاً شبیه او شود.

این پیکر بی‌جان گاهی به‌صورت ایستاده در کنار مافه‌گه قرار داده می‌شود و گاهی نیز در حالت درازکشیده به خیمه و بهون (bohoon) یا سیاه چادر تکیه داده می‌شود و پتویی روی آن می‌اندازند. به این پیکره طلسم (telesm) می‌گویند.<sup>۱۴</sup> همین طلسم را برای زنان نیز به‌کار می‌برند و تمام وسایل شخصی زن درگذشته را در درون‌خانه یا سیاه چادر و دور از چشم نامحرمین قرار می‌دهند.<sup>۱۵</sup> نزدیک شدن این صحنه و ماکت به قامت اصلی فرد به دلیل پوشیدن لباس‌های شخصی میدانی از زنده نگه داشتن حضور دائمی فرد در خانواده و فامیل است.

### ت) ساز چپ و شمال

شمال (toshmal)<sup>۱۶</sup> نوازنده ایل است که در مراسم شادی و شیون، ایل را همراهی می‌کند. عموماً این نوازندگی دونفره انجام می‌شود. خود شمال‌ها نیز خانوادگی در کنار ایل زندگی می‌کنند. در شادی و عزا خود را ملزم به همکاری می‌دانند. یک نفر ساز یا کرنا (Karna) می‌نوازد که به او «میشکال» می‌گویند و دیگری ڈهل می‌کوبد که به آن ڈهلی یا دهل کُو گفته می‌شود.

ساز چپ یا موسیقی چپ، نوای حزن‌انگیزی است که شمال‌ها با همان ابزار و آلات و با نغمه‌های تأثر و تألم‌انگیز آن را می‌نوازند. «چپی به این سبب به آن اطلاق می‌شود که همین وسیله در عروسی نیز به‌کار می‌رود».<sup>۱۷</sup> اثری که این موسیقی غمناک بر افراد صاحب عزا، نزدیکان یا حاضران می‌گذارد آنقدر متنفذ است که با ناله و زاری و کل (kel)<sup>۱۸</sup> زنان و فریادهای مردان همراه می‌شود.

در مراسم سوگواری بختیاران زنان به صورت گروهی یا با تک‌خوانی زنی خوش صدا با موسیقی چپ شمال هم‌نوا می‌شوند که به این صوت حزن‌انگیز «دُنَدال، دُمَدال یا گاگریو» می‌گویند.<sup>۱۹</sup> گاهی این هم‌خوانی و سوگینه «واویلا» هم گفته می‌شود؛ البته این گاگریو در تمام عزاها برای پیر و جوان، زن و مرد خوانده می‌شود که اشعار آن متفاوت است و در بیان نیکویی، شایستگی و لیاقت زن یا مرد متوفی سروده می‌شود که در ذیل مواردی از آن ذکر می‌گردد. از این‌رو به آن سرو «Soru» نیز می‌گویند.

۱- در مرگ جوانان:

ماشالا نُم خدا زقا و تشنیت  
آرمون داشتم عروسی بگرم سیت<sup>۲۰</sup>  
(ماشالله، به‌نام ایزد و آفرین بر خلقت خدا از گلوی سفید تو، آرزو داشتم برای عروسی بگیرم).

۲- در مرگ بانوان:

سرو پُل نازگت، نیم تنی مخمل  
ای همه سیل اکنم نیدت به زنگل<sup>۲۱</sup>  
(گیسوان زیبا و ظریف تو، لباس مخمل داری، هرچه می‌نگرم در میان زنان حضور نداری).  
البته این اشعار و سوگ سروده‌ها از زبان مردان و زنان نزدیک متوفی، همسر و فرزندان، خواهران و برادران، پدر و مادر و ... بیان می‌شود که گاهی با ذکر نام یا بی‌نام گفته می‌شوند و در حالت عاطفی، حماسی و با مضامین خداحافظی و ترک فامیل، پشیمانی از اقبال بد و روزگار نامساعد، یتیم شدن فرزندان و بی‌برادر شدن، شاد شدن دشمنان و پند و اندرز به بازماندگان و توجه و عنایت به اعضای خانواده و ... سروده می‌شود و شاعران این اشعار هم معلوم نیستند و عموماً نسل به نسل و با اندک تغییراتی منتقل و بیان می‌شوند.<sup>۲۲</sup> سوگ سروده‌ها بخش بسیار قابل توجه و از عناصر اصلی سوگواری بختیاری به‌شمار می‌روند.

ث) شلیک گلوله (تش تفنگ)<sup>۲۳</sup>

تفنگ یکی از ارکان و عناصر اصلی زندگی ایلی در بین عشایر و اقوام است و یار همیشگی و جدانشدنی مردان سلحشور و غیرتمند ایل است و صدای تفنگ در عروسی و عزا تهییج‌کننده و اثری متفاوت و متناسب دارد. در مرگ جوانان و بزرگان خانواده همراه با نوای چپ نوازندگان،



نوحه و سوگینه‌سرایی مردان و زنان و اشک گرم بستگان صدای تفنگ است که سوزناکی واقعه را بیشتر بیان می‌کند. شلیک گلوله یا تش تفنگ (tashetofang) نیز یکی از ارکان سوگواری در بین بختیاری‌هاست که یادگار گرم ماندن لوله تفنگ و رسیدن بوی باروت به مشام متوفی است. اشعاری که در سوگ بزرگان و شکارچیان ایل خوانده می‌شود و ناله تفنگ و شلیک گلوله یا حتی حضور تفنگ در مراسم کتل و مافه‌گه یا پیکره بی‌جان و آراسته به لباس فرد متوفی در جایگاه فرهنگ بختیاری را نشان می‌دهد.

به نمونه‌هایی از اشعار و سوگ سروده‌ها یا صیادی (سرکُهی)<sup>۲۴</sup> بختیاری اشاره می‌کنیم:

پازنی هوس مکن مگو که مردم      تفنگم واکیس کمر و گرم سپردم<sup>۲۵</sup>

(ای پازن (آهو) شاد مباش که من مردم، بلکه، تفنگ و کیسه کمرم را به پسرم سپردم)

بیوریم به کُهرنگ میش به کُریزه      تفنگم گل ازنه، کاردم چه تیزه<sup>۲۶</sup>

(بیا بریم کوه‌رنگ میش کوهی به ردیف و به کثرت وجود دارد، تفنگم هدف را خوب می‌زند و کاردم خیلی تیز است).

بیا بریم به بال رو میش به گُداره      تفنگم خال ایزنه شاه چپس نداره<sup>۲۷</sup>

(بیا به کنار رودخانه برویم، چون میش کوهی در حال گذر است. تفنگ من خوب هدف می‌زند پادشاه هم چون آن ندارد).

پازنی وری بچر که روز پاک      او صیاد که تنه زید امروز به خاک<sup>۲۸</sup>

(ای پازن بلند شو چرا کن، روز روشن شده است، صیادی که تو را شکار می‌کرد امروز در خاک است).

### ج) شرح مراسم کتل و مافه‌گه

در هفته اول مرگ عزیز (شهید، جوان دل‌آور، بزرگ‌خاندان) در مکانی که زمین محل سکونت صاحبان عزا یا نزدیک به زیستگاه آنها باشد زمین مسطح و پاکی را انتخاب می‌کنند، قدری آن بنا را از زمین بالاتر می‌آورند و قالی یا پارچه‌ای سیاه روی آن می‌اندازند، وسایل شخصی میت از جمله: تفنگ، دوربین و ... را روی آن تزیین می‌کنند. اسب کتل شده را می‌آورند و افسار آن را

به یکی از بستگان متوفی می‌دهند. شمال‌ها در مکانی نزدیک به مافه‌گه ساز چپ می‌نوازند و زنان به صورت گروهی و حلقه‌وار سوگ سروده (دمدال و گاگریو)<sup>۲۹</sup> می‌خوانند، تمثال (طلسم و پیکره‌ای نمادین آراسته به لباس‌های شخص مرده) را در نزدیکی مافه‌گه یا درون خانه می‌گذارند. فامیل‌ها یا سایر افراد نسبی و سببی در اطراف مافه‌گه سیاه‌پوش حلقه می‌زنند و اشک می‌ریزند و بر سر و روی خود می‌زنند. سپس افراد نزدیک میت یا بستگان درجه یک وی می‌آیند و دست افراد را می‌گیرند- که خود نشان جلوگیری از بر سر و صورت زدن هم دارد- و آنها را می‌برند تا در محل عزا بنشینند. هم‌نواهی موسیقی ساز چپ، نوحه‌سرایی زنان، شلیک گلوله، دور زدن اسب کتل به دور مافه‌گه از سمت چپ ادامه می‌یابد تا جایی که احساس همگان بر کفایت مراسم باشد و این حرکت چند ساعت طول می‌کشد. اگر از مرده عکسی موجود باشد در مقابل مافه‌گه نصب می‌شود. مردان با گریه و صدای بومی (bavumey) و زنان با خراشیدن صورت و کندن موها (کیک چر، keikecer، ناله و زاری) وارد محل عزاداری (خانه یا هر محوطه دیگری) می‌شوند. آن‌گاه عده‌ای به رسم تشکر و قدردانی مانع این کارها می‌شوند و با استقبال از آنها به درون خانه دعوتشان می‌کنند.

### چ) پایان مراسم کتل و طلسم

کتل و پیکره برای هفته مرده می‌ماند پس از آن چند نفر داوطلبانه می‌آیند و پس از گریه و خواندن فاتحه از صاحبان عزا اجازه می‌گیرند و طی مراسمی همراه با نواخت ساز چپ، کتل و طلسم را برمی‌دارند از جیب خودشان پولی به شمال می‌دهند و در حقیقت عزاداری رسمی را برمی‌چینند (اگرچه عزاداری‌ها تا سالگرد متوفی ادامه دارد).

سپس آن افراد، طلسم (پیکر نمادین) را پایین‌تر از سیاه چادر صاحب عزا و در حالت مخفیانه<sup>۳۰</sup> باز می‌کنند و لباس‌ها را تا می‌زنند و در بقچه قرار می‌دهند. این افراد خود را محرم متوفی می‌دانند و به دور از چشم دیگران این کار را انجام می‌دهند. گاهی نیز این طلسم برای نماد عزاداری تا چهلیم یا بیشتر در منزل صاحبان عزا نگه‌داری می‌شود و مراسم گریه و فاتحه همراه با سرو (Soru) اجرا می‌شود.





صاحبان عزا نیز با پختن غذا از آنها پذیرایی می‌کنند و پس از خوردن غذا، فاتحه می‌خوانند. عموماً فرد ملا (فرد باسواد ده یا عشایر که به آن ملا مکتبی هم می‌گویند) انجام مراسم مذهبی را برعهده می‌گیرد. پس از آن خیمه و پیشه<sup>۳۱</sup> چادرها یا سیاه چادرهایی را که برای عزاداری برپا کرده بودند، می‌کشند و چادرها را می‌نشانند و این پایان عزاداری رسمی و آغاز فعالیت‌های زندگی مرسوم و رایج است. اگرچه در بین بختیاری‌ها حتی تا سالگرد متوفی افراد خود را عزادار می‌دانند و انجام برخی کارهای مشروع را از دیدگاه عرف برای خود ناپسند می‌دانند.<sup>۳۲</sup> مثلاً زن‌ها تا مدت‌ها حنا نمی‌گذارند و لباس تیره بر تن می‌کنند.

پس از اینکه کار کشیدن خیمه و چادرها انجام شد، بقیه کارهای مربوط را به‌طور کامل خود صاحب عزا یا نزدیکان انجام می‌دهند.<sup>۳۳</sup>

### ج) ریش تراشی

یکی از شیوه‌هایی که در سوگواری بختیاری‌ها به آن توجه می‌شود ممنوع بودن تراشیدن ریش نزدیکان متوفی توسط خودشان است. پس از هفته و انجام مراسم سخت و طاقت‌فرسای عزاداری و ... عده‌ای از بستگان یا بزرگان فامیل و طوایف نسبی و سببی به خانه صاحب عزا می‌آیند، فاتحه می‌دهند و در مراسمی ریش مردان و جوانان صاحب عزا را می‌تراشند. این کار نیز چون مراسم یاد شده قبلی تلاشی است برای پایان بخشی به عزت و گوشه‌نشینی عزا و کوششی است برای آغاز زندگی دوباره و گردیدن چرخ‌های زندگی که هم‌چنان ادامه دارد.

### خ) گلوی کُنون<sup>۳۴</sup> (Kolavi kanun)

زنان در مرگ بستگان و نزدیکان خود گاهی سر تا پا لباس سیاه بر تن می‌کنند. حنا نمی‌گذارند و به نشانه عزاداری برخی از فعالیت‌های عادی را برای خود زشت و ناپسند می‌دانند. پس از انجام مراسم (چهل‌م یا گذشته نه چندان دور سالگرد) صاحبان عزا به مال (mal) یا خانه فامیل می‌روند، گلوی (روسری شده سیاه رنگ زنان) را از سرشان درمی‌آورند و بر موهایشان حنا می‌گذارند.<sup>۳۵</sup>

**(د) ساخت مافه‌گه**

پس از عزاداری‌های هفته و انجام مراسم تشریفاتی کشیدن خیمه‌های عزاداری و ریش‌تراشی مردان نزدیک متوفی با روحیه تعاون کسانی که از بنایی و کار ساختمانی مطلع هستند نسبت به تکمیل بنای مافه‌گه اقدام می‌کنند. مافه‌گه اگرچه یک بنای مکعبی و ساخته سنگی دست بشر است ولی بخش وسیعی از آداب و رسوم و فرهنگ ایلی بزرگ را با خود دارد. توهین به مافه‌گه کار ناپسند و غیراخلاقی است و حتی اعتقاد فامیل به این بنا چنان است که به آن قسم می‌خورند، این سوگند چنان است که در کنار سوگندهایی چون به مزارگه .../ به قور .../ بخت .../ به خاک .../ به مافه‌گه<sup>۳۶</sup> ... از اعتقاد و باور قلبی صاحبان و نزدیکان آنها نشان دارد.

**(ذ) چادر (بهون) کنون (cadir- bohun- kanun)**

یکی دیگر از رسوم بختیاری‌ها در آئین سوگواری چادر کنون (چادرکنان) است هنگامی که خبر (خوریاهور) یعنی پیام مرگ کسی را می‌آورند به نشانه عزا چادرها را می‌کنند و پیشه چادر را می‌کشند و گاهی در یک مجموعه از خانواده‌های عشایری (مال- mal) تا چهارم و حتی سالگرد صاحب عزا خیمه و چادر خود را نمی‌افراشند؛ البته به مرور این آداب و رسوم نیز کمرنگ‌تر و قدری ساده‌تر شده‌اند. زنان پل می‌بریدند (گیسو بریدن) و مردان بر سر و روی خود می‌زدند. اما این مسائل تا حدودی به‌ویژه بین جوانان کمتر انجام می‌شود.

امروز در گوشه و کنار خاک بختیاری مافه‌گه‌ها و شیرهای سنگی مردان بزرگی برپاست که سر در نقاب خاک کشیده‌اند و تاریخ، شهامت، شجاعت، ایمان و مردانگی آن دلاور مردان را می‌ستاید. این مختصر شاید به‌خوبی نتوانسته باشد اوج اعتقاد و ایمان مردم را به بناهای سنتی بیان کند ولی چون خود در تمام این مراسم بوده‌ام و از نزدیک با شرح مسائل ارائه شده انس داشته‌ام گمان می‌کنم گامی هرچند کوچک در معرفی این ایل بزرگ برداشته‌ام. شاید این آئین به تاریخ پیشینیان این مردم بازمی‌گردد. چون بر این باورم که این ایل بزرگ قدمتی دیرین و در آداب، رسوم، گفتار، واژگان و پوشاک و ... با گذشتگان ایران زمین پیوندی ناگسستی دارد.

## پی‌نوشت‌ها

### 1. Kotal-mafegah.

۲. این مراسم شباهت‌های بسیاری با تعزیه در فرهنگ اسلامی دارد.
۳. زمستان آمد و رسید و کوه پوشیده از برف شد- اما کسی با من که غم سنگینی دارم حرف نمی‌زند. من ابتدا بلبل باغ بهشت بودم- ناشکر خداوند شدم، خدا نیز آن را بر پیشانی‌ام زد ... آسمان داغی بر داغ من گذاشت- نه دستم به او می‌رسد نه چوب عصایم، نک: حسینی، بیژن، اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری، انتشارات شهسواری، اصفهان، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵.
۴. کل نفس ذائقه الموت ثم الینا ترجعون: همگان طعم مرگ را خواهند چشید و به سوی ما خواهند آمد، نک: قرآن، عنکبوت، ۵۷.
۵. کوثری، مسعود، تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

### 6. gageriv-domdal (dondal).

۷. مردان متنفذ، صاحب‌نام و بزرگ طوایف که جایگاه و اعتبار خاصی در میان بختیاری‌ها دارند.
۸. برد شیر، barde seir.
۹. پیوند عناصری چون سنگ، شیر (نشان شجاعت و قهرمانی) تفنگ (روح سلحشوری، شکار، دشمن‌ستیزی و ...) اسب (نشان سوارکاری، شهامت و سالاری) شمشیر دوربین و ... در سوگواری بختیاری‌ها بخشی از فرهنگ مردم است.
۱۰. کیانی، ایوب، سوگواری در بختیاری، ص ۲۷.
۱۱. جلوه‌هایی از روح تعاون ایلی را در مراسم عروسی، سوگ یا کارهای عادی چون پرورش دام و کارهای کشاورزی می‌توان دید. در مراسم عروسی به این کمک اوزی «uzy» می‌گویند.
۱۲. در مراسم مافه‌گه و کتل سال ۱۳۶۵ شهید یوسف قنبری، نگارنده خود حضور داشت که حاضران شاهد اشک ریختن مادیان کتل بودند.
۱۳. رجوع فرمایید به سوگواری در بختیاری، همان، ص ۲۷.
۱۴. برخی افراد به این پیکره تمثال (temsäl) هم می‌گویند.
۱۵. به این آیین رخت ور یک وندن (rax vor yek vanden) می‌گویند.
۱۶. میشگال (Meiskal).
۱۷. سوگواری در بختیاری، همان، ص ۲۵.
۱۸. کل: صدا و نوایی که زنان در شادی و شیون بستگان و یا جنگ سر می‌دهند و بسیار تأثیرگذار باشد.
۱۹. گآگریو: گفتن و گریستن (نوحه‌سرایی پرگینه‌سرایی که زنان می‌خوانند و خود و دیگران گریه می‌کنند).
۲۰. سوگواری در بختیاری، همان، ص ۶۹.
۲۱. همان، ص ۷۱.
۲۲. رجوع فرمایید به آثار حسینی، بیژن، اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری؛ نیز نک: کیانی، ایوب، سوگواری در بختیاری؛ نیز نک: عبداللهی، احمد، ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری، مؤسسه فردا، اصفهان، ۱۳۷۲.
۲۳. آتش تفنگ.
۲۴. سرکهی، سرکوهی (Sarkohi).
۲۵. سوگواری در بختیاری، ص ۸۱.
۲۶. سوگواری در بختیاری، ص ۸۴.



۲۷. اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری، همان، ص ۱۶۱.
۲۸. ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری، همان، ص ۱۱۹.
۲۹. سُرُو (Soru).
۳۰. این مراسم را درحالی‌که مثلاً ملحفه یا چادر مشکی به دور آنها گرفته‌اند انجام می‌دهند تا صاحبان عزا شاهد متلاشی کردن پیکره نمادین عزیز خود نباشند.
۳۱. چوب پیش سیاه چادر که جلوی سیاه چادر را بالا می‌زند، (peise).
۳۲. مثل عروسی.
۳۳. البته در تمام این مراحل سوگینه‌خوانی و عزاداری به‌ویژه خواندن اشعار سوگواری را زنان ادامه می‌دهند.
۳۴. کندن کلوی (روسری).
۳۵. قبل از انقلاب اسلامی به‌علت پخش رقص و آواز صاحبان عزا از روشن کردن رادیو و تلویزیون هم خودداری می‌کردند.
۳۶. جای نقطه‌چین‌ها نام یا عنوان متوفی می‌آید مثلاً به مزارگه بوم *bemazagah bavam* یعنی به قبر پدرم سوگند ... این قسم‌ها تمام سوگند به قبر و خاک و مرده است که بسیار جدی و مستحکم است.